

برنامه درسی و الزامات آن: نقش برنامه درسی بر یادگیری دانش آموزان

سمیرا مجرد^۱

^۱ کارشناسی، مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد

اداره آموزش و پرورش شهرستان بهارستان

samiramojarradmm@gmail.com

چکیده:

برنامه درسی و چینش آن نقش موثری بر عملکرد یادگیری، تدریس معلم و در نهایت آموزش به دانش آموز دارد از این رو چینش آن و رعایت الزامات برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی «برنامه درسی و الزامات آن: نقش برنامه درسی بر یادگیری دانش آموزان» می باشد. روش پژوهش حاضر، از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده ها مبتنی بر شیوه کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است و نحوه تحلیل داده ها نیز مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که یادگیری در مدارس بصورت تک بعدی نمی باشد در کنار آموزش های رسمی بعدد دیگری به نام آموزش های پنهان می باشد که ارزشی برابری در یادگیری و تربیت دارد یافته ها خودبیانگر این امر می باشد که برنامه آموزشی پنهان گاهی بر آموزش رسمی نقشی مثبت و گاهی نقش منفی دارد. نتیجه ای که گرفته میشود که طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد، غفلت از بخش مهمی است که در یادگیری دانش آموزان تأثیر فراوان دارد. برنامه درسی پنهان را باید یکی از سرمایه های مفهومی رشته برنامه درسی به شمار آورد. طرح این مفهوم سبب شده است تا نگاه سطحی نگرانه نسبت به پدیده برنامه درسی کاهش یافته و به صورت اجرایی در برنامه های آموزشی مدارس مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تدریس، یادگیری، آموزش، عملکرد، تعلیم و تربیت

۱- مقدمه :

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد خدماتی که وظیفه آن آموزش افراد بعنوان سرمایه های یک کشور است وظیفه ای مهم و بنیادی بر عهده دارد که، باید آن را منطبق بر چهار چویی از قبل مشخص و برنامه ریزی شده انجام دهد تا بتواند هر آنچه را که نیاز افراد در راستای بروز رسانی آگاهی هایشان است به نحو احسن انجام دهد فعالیتها را انتظام بخشد، در جهت مطلوب هدایت کند، از اتلاف وقت و نیرو و سرمایه جلوگیری و بر روند پیشرفت امور نظارت کند. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به عنوان مرکز برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش کشور ما نیز به منظور انسجام بخشیدن به فعالیت های برنامه ریزی درسی و جلوگیری از پراکنده کاری و اعمال سلیقه های فردی و گروهی در تدوین برنامه ها، مجموعه فعالیت های اساسی برنامه ریزی درسی را که می باید در تولید یک برنامه ی درسی انجام شود طبقه بندی کرده و سلسله مراتب مراحل اجرایی آن ها را به صورت یک روند نما ترسیم و ارائه نموده است. تا هم دست اندرکاران برنامه ریزی درسی فعالیت های خود را در این چهارچوب انجام دهند و هیچیک از مراحل را نادیده نگیرند و هم کسان دیگری که از خارج سازمان، می خواهند از نحوه ی عمل و جریان فعالیت برنامه ریزی درسی مطلع شوند بتوانند با بررسی این روند نما به چگونگی انجام مراحل مختلف فعالیت های برنامه ریزی درسی پی ببرند در راستای رسیدن به این اهداف راه های مختلفی وجود دارد که از جمله آنه می توان به " برنامه درسی " به عنوان یکی از ستون های الزامی علوم تربیتی که، نقش بی بدیلی در عملکردهای تربیتی دارد، برنامه درسی، به منزله ظرف و ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده و در صدد بر آمده تا همه اتفاق های آموزشی آشکار و پنهان و شکل عملی شدن انتظارات و مقاصد آموزشی را در خود جای دهد. برنامه درسی به منزله یک فرایند، می خواهد مسیری باشد که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم پیوند دهد (اسکندری، ۱۳۸۷ ص برنامه ی درسی که خود شامل دو بعد می شود بعد اول آموزش رسمی و بعد دیگر آن آموزش غیر رسمی نام دارد در بحث برنامه درسی شاید مهم ترین اثر مفهوم برنامه درسی پنهان در این نهفته است که پژوهشگران را به مشاهده تعلیم و تربیت، تدریس و آموزش مدرسه به منزله متنی که باید تفسیر یا معانی پنهان آشکار گردد، فرامی خواند. برنامه درسی پنهان نه درجایی نوشته شده و نه هیچ معلمی آن را درس می دهد. بلکه محیط آموزشی مدرسه، باتمام خصوصیاتش، آن را آموزش می دهد. صرف نظر از اینکه معلمان مدرسه تا چه اندازه متبحر و شایسته اند، یا برنامه درسی تا چه حد پیشرفت کرده است، دانش آموزان، اتفاقا در معرض چیزی قرار می گیرند که هیچ گاه سخنی از آن در میان نبوده است. آنها، به مرور تحت تأثیر برنامه درسی پنهان مدرسه، رویکرد خاصی نسبت به زندگی، و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا میکنند تعریف برنامه ی درسی پنهان بسیار دشوار تر از اصطلاح برنامه درسی رسمی است. این به دلیل پیچیدگی تعریف اصطلاح پنهان است. زیرا تجربیات و یادگیری دانش آموزان با یکدیگر تفاوت دارد. و همچنین با تغییرات تدریجی باورها و دانش هر اجتماع، دائما در حال تغییر است. با این حال برنامه درسی پنهان عبارت است از: برنامه درسی پنهان یا نامرئی عبارت است از آن چه که در خارج از چارچوب برنامه درسی تجویز شده تدریس می شود. این نوع برنامه درسی فراتر از محتوای تعیین شده در یک موضوع درسی است. برخی اوقات برنامه درسی پنهان موجب تقویت برنامه درسی رسمی شده و برخی اوقات نیز با آن در تعارض قرار دارد و آن را نقض می کند (فتحی و اجاره گاه، ۱۳۸۸؛ ص ۶۸) در بحث یادگیری نقش برنامه درسی پنهان در آن امری انکارنا پذیر است و سوالاتی که در مقاله مطرح است عبارت انداز:

۱- برنامه درسی پنهان چیست؟

۲- نقش و جایگاه برنامه درسی پنهان در یادگیری چیست؟

۳- نقش برنامه درسی پنهان در یادگیری دانش آموزان است؟

که در این مقاله بدنبال دستیابی به جواب این سوالات هستیم.

۲- روش تحقیق:

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و بر اساس روش کتابخانه ای داده های موجود گردآوری شده است.

۳- یافته های تحقیق:

تاریخچه برنامه درسی پنهان

اصطلاح (برنامه درسی پنهان) را اولین بار جکسون در کتاب زندگی در کلاس درس بکار برد و بنسون اسنایدر در ۱۹۷۱ آن را رواج داد. تعریف برنامه درسی پنهان برنامه درسی پنهان به زعم اسنایدر، اشاره می کند به فشارهایی که بطور ضمنی در مقابل الزامات صریح برنامه درسی آشکار، در هر موسسه آموزشی یافت می شود و دانش آموزان باید آنها را تشخیص داده و بدان ها واکنش نشان دهند تا بتوانند در آن موسسه باقی بمانند، عناوین دیگری نظیر برنامه درسی نانوشته یا پیرا برنامه درسی نیز بر آن اطلاق می شود. برنامه درسی پنهان، بخشی از کل نظام مدرسه است که می توان آن را با فهم زمینه ای که در آن پدید می آید درک و شناسایی کرد. بولز و گین تیس (۱۹۷۶) کارکرد اصلی آن را کنترل و نظارت اجتماعی می دانند. آنها معتقدند که دانش

آموزان در مواجهه با برنامه درسی پنهان، موقعیت خود را تشخیص داده و به نحوی با آن سازگار می شوند. به عبارت دیگر مدرسه از طریق برنامه درسی پنهان، به باز آفرینی (Reproduction) طبقه اجتماعی پرداخته آنها را، بطور ضمنی، برای پذیرش موقعیت اجتماعی آینده شان آماده می سازد. مسئولیت آن جداسازی طبقاتی است. نخبگان را آزادی و فرصت پیشرفت، ارزانی می دارد و غیرنخبگان را می آموزد که در آینده قسمت و سرنوشت خود را به عنوان کارگران منضبط و فرمان بردار بپذیرا باشند. ایوان ایلچ (۱۹۷۱) ضمن کندوکاو در خصلت های مدرسه، برنامه درسی را مورد تاکید قرار می دهد. به نظر او در مدرسه، بسیاری چیزها آموخته می شوند که با محتوای رسمی دروس، هیچ ربطی ندارند. با خصلت تادیبی و نظم دهی ساختار و مقرراتش، پذیرش بی تمیز و چشم بسته نظم اجتماعی موجود را تلقین می کند. این درس آگاهانه تعلیم داده نمی شود، بلکه به دانش آموزان می آموزد که نقش آنها در زندگی این است که موقعیت خود را تشخیص دهند و با آن بسازند. گیدنز (۱۹۹۱) معتقد است که پاره ای از مضمون های مطرح شده در رویکردهای نظری رامی توان از طریق مفهوم باز آفرینی فرهنگی، به یکدیگر مربوط ساخت. باز آفرینی فرهنگی اشاره می کند به طریقی که مدارس، همراه با سایر نهادهای اجتماعی، نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را از نسلی به نسل دیگر تداوم می بخشند. مدارس انواع ارزش ها و نگرش های فرهنگی دانش آموزان را که در سال های اولیه زندگی کسب کرده اند تقویت می کند. قورچیان (۱۳۷۳) برنامه درسی پنهان را شامل تدریس ضمنی، غیر رسمی و غیر ملموس نظام ارزش ها، نگرشها، هنجارها، طرز تلقی ها و جنبه های غیر ملموس دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی است که متاثر از کل نظام تربیتی و بافت کل جامعه است

مفهوم برنامه ریزی درسی پنهان

تعریف « برنامه ی درسی پنهان » بسیار دشوار تر از اصطلاح برنامه درسی رسمی است. این به دلیل پیچیدگی تعریف اصطلاح « پنهان » است زیرا تجربیات و یادگیری دانش آموزان با یکدیگر تفاوت دارد. و همچنین با تغییرات تدریجی باورها و دانش هر اجتماع، دائما در حال تغییر است. دانش آموزان معمولاً به طور مستقیم به برنامه های درسی پنهان پاسخ نمی دهند بلکه آنان از طریق تفسیرهای خود و ادراکات و اعمالشان در چارچوب تجربیات یادگیری خود معنا می کنند، و بر اساس آن چارچوب برنامه درسی پنهان را می سازند. برنامه درسی پنهان، به عبور موفقیت آمیز از مانع برنامه درسی رسمی یا طرح ریزی شده است. به عبارت دیگر، برنامه درسی پنهان بحثی از فرایند آموزشی مدرسه است که به سادگی قابل درک نیست، ولی بخشی از آن چه را که فرا گرفته می شود، تشکیل می دهد. این برنامه ها در ابعاد مختلف در محیط های اطراف همانند خانواده، جامعه، بازار، تلویزیون، رادیو، اینترنت، مدرسه، سینما، کلاس درس، ورزشگاهها و پارکها بر روی فرایند یادگیری دانش آموزان به ضرورت غیر رسمی تأثیر می گذارند. برنامه درسی پنهان، اصولاً مربوط به ساختار آموزشی است. به عنوان مثال؛ در سخن گفتن دو مؤلفه در هم تنیده است. اولین مؤلفه آن که آشکار سازی همین کلماتی است که از جنس اسم و فعل و حرف است که بیان می شود. این ها به خودی خود معنا ندارند و یا لا اقل مبهم هستند. اما یک چیز دیگری وجود دارد که همین کلمات را معنادار می کند، آن ساختار جمله و نحو بیان است. که آن را معنادار می کند. توجه ما معمولاً به خود کلمات، و کمتر معطوف به نحو آن باشد، در آن صورت پنهان قلمداد می شود. بدین صورت حاشیه های یک کلام، ساختار مفهوم برنامه درسی پنهان را تشکیل می دهد (اسکندری، ۱۳۸۷؛ ص ۱۰۵).

با این حال برنامه درسی پنهان یا نامرئی عبارت است از آن چه که در خارج از چارچوب برنامه درسی تجویز شده تدریس می شود. این نوع برنامه درسی فراتر از محتوای تعیین شده در یک موضوع درسی است. برخی اوقات برنامه درسی پنهان موجب تقویت برنامه درسی رسمی شده و برخی اوقات نیز با آن در تعارض قرار دارد و آن را نقض می کند (فتحی و اجاره گاه، ۱۳۸۸؛ ص ۶۸).

اهمیت برنامه درسی پنهان در یادگیری

برنامه درسی پنهان بیش از برنامه درسی رسمی در سازگاری استادان و شاگردان تأثیر دارد. برنامه ی درسی پنهان در حد معنی داری تعیین کننده ی آن چیزی است که مبنای احساس ارزش و عزت نفس شرکت کنندگان است. هیچ مؤسسه ای نیست که یک برنامه ی درسی پنهان بر شاگردان و هیات آموزشی تحمیل نکرده باشد. اگر چه هر برنامه ی درسی ویژگی هایی دارد که خاص مؤسسه ای معین است، ولی وجود این گونه برنامه های درسی پنهان تا حد بسیاری بر کل فرایند تعلیم و تربیت تأثیر می گذارد. همچنین کم توجهی به آثار منفی برنامه ی درسی پنهان و غفلت از آن ممکنست تحقق اهداف والای تعلیم و تربیت را دچار مشکل کند. آثار منفی برنامه ی درسی پنهان، نظیر رفتار خشک و بیش از حد مقتدرانه ناظم مدرسه یا سکوت همه جانبه ی فراگیرنده و در نتیجه منفعل بودن او می باشد. با اینکه این یادگیری ها و تجارب، در برنامه درسی صریح و از پیش طراحی شده پیش بینی نشده، آنها یک برنامه ی درسی واقعی را تشکیل می دهند زیرا در زمره ی مهم ترین و موثرترین محتوای آموزشی هستند که دانش آموزان در مدرسه به طور طبیعی یاد می گیرند (زهرائی، ۱۳۹۱).

بنابراین، کنکاش و بررسی در حوزه ی برنامه درسی پنهان بخصوص از بعد تربیت شهروندی از مباحث جدید در حوزه برنامه درسی است که می تواند به روشن تر شدن مباحث مربوط به آن و بهبود امر تعلیم و تربیت کمک نماید. لذا لازم است برنامه درسی پنهان را از زوایای مختلف مورد تفحص قرار داد. چرا که به این بعد از برنامه درسی به طور اخص توجه نشده، و آثار آن در تمام سطوح جامعه، کم و بیش مشاهده می شود. عدم توجه به برنامه ریزی درسی عمیق یکی از آسیب های جدی تعلیم و تربیت شهروندی و عملکرد تحصیلی است.

کنترل کردن برنامه ریزی درسی پنهان

مسلماً چنین چیزی ممکن نیست. عوامل دیگری که جزء برنامه درسی نیست و از دید و مشاهده ی برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت نیز پنهان است، در فکر، عواطف، رفتار و شخصیت فراگیران اثر می گذارند و در اغلب موارد مؤثر از برنامه ی درسی پیش بینی شده عمل می نمایند. مانند: قوانین و مقررات مدرسه، جو اجتماعی مدرسه، تعامل دانش آموز و معلم، جو عاطفی کلاس، قضاوت های معلمان و علایق و نیازهای فراگیران از این عوامل هستند. از تأثیر این ها، تفکر به نگرش ها و گرایش هایی در فراگیر شکل می گیرند که در ادبیات برنامه ریزی درسی، آن تأثیرات را برنامه ی درسی پنهان می نامند. در واقع برنامه ی درسی پنهان عبارت است از راهبردهای فراگیر در عبور موفقیت آمیز از مانع برنامه ی درسی رسمی یا طرح ریزی شده. به عبارت دیگر، برنامه ی درسی پنهان بخشی از فرآیند آموزشی مدرسه است که به سادگی قابل درک نیست ولی بخشی از آن چه را که فراگرفته می شود، تشکیل می دهد. "ایوان ایلچ" در مبحث «مکتب جامعه» معتقد است که در مدرسه بسیاری از چیزها آموخته می شود که به محتوای درس هیچ ارتباطی ندارد. می توان گفت برنامه ی درسی پنهان به دانش آموزان نقش زندگی می آموزد، به آن ها می آموزد که موقعیت خود را تشخیص دهند و یا آن را بسازند. در این جا به برخی تعاریفی که صاحب نظران و نظریه پردازان از برنامه ی درسی پنهان ارائه کرده اند، اشاره می شود: "فیلیپ جکسون" در سال ۱۹۶۸ واژه برنامه ی درسی پنهان را رسماً وارد ادبیات برنامه ریزی درسی کرد. او این واژه را در کتاب زندگی در کلاس درس مطرح نمود. رونالد دال "چنین اظهار می نماید: این درست است که برنامه درسی رسمی در مدارس طراحی می شوند. اما نوعی دیگر برنامه در مدارس موجود است که طراحی نشده و دربرگیرنده برنامه ی درسی ارتباطات اجتماعی شاگردان است. "گیرنز" در سال ۱۹۹۱ مفهوم بازآفرینی فرهنگی را مطرح می سازد که مدارس از طریق برنامه ی درسی پنهان مفاهیم اجتماعی از قبیل: ارزش ها، نگرش های فرهنگی، اعتقادات، زیبایی های موجود در زندگی و ... را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند "جان مک نیل" (۱۹۷۷) نتایج عمومی حاصل از آموزش را که رسماً تشخیص دادنی نبوده و منتج از تأثیرات آموزش رسمی است و ممکن است جهت تقویت و یا تضعیف اهداف رسمی مدارس به کار برده شود، برنامه درسی پنهان خوانده است. (مک نیل، ۱۹۷۷)

ابعاد برنامه ریزی درسی

الیزابت و الانس سه بعد مهم از مفهوم برنامه درسی پنهان را ارائه می دهد:

- ۱- برنامه درسی پنهان به بافت و زمینه آموزش مدرسه ای مربوط می شود. واحد تعامل معلم و شاگرد، ساختار کلاس درس، الگوی کلی سازماندهی برنامه آموزشی به منزله مدل کوچکشده نظام ارزشی اجتماعی به این بعد اشاره دارد.
- ۲- برنامه درسی پنهان می تواند شماری از فرایندهای عمل را ایجاد کند که در مدرسه یا از طریق مدرسه قابل اعمال است. فرایندهای اکتساب ارزش ها، اجتماعی شدن، حفظ و نگهداری ساختار و طبقه اجتماعی و اقتصادی در این بعد قرار می گیرند.
- ۳- برنامه درسی پنهان هم از سویی درجات متفاوتی از سمت و سوی پنهان بودن و عمق آن را می تواند در بر داشته باشد و هم از دیگر سو در دامنه ای از یکامر اتفاقی و ناخواسته در برنامه تا نتایج در هم تنیده و عمیق که بر خاسته از کنش تاریخی و اجتماعی تعلیم و تربیت است، قرار می گیرد. (اسکندری، ۱۳۸۷ ص ۲۹)

ویژگی های برنامه ی درسی پنهان

مهم ترین ویژگی ها ی برنامه ی درسی پنهان عبارتند از: ۱- این برنامه بر یادگیری های قصد نشده و غیر علمی که جزء اهداف برنامه های درسی آشکار نظام آموزشی نیست، تأکید دارد. ۲- یادگیری های پنهان غالباً در حیطه ی ارزش ها، نگرش ها، هنجارها، تمایلات، عواطف و مهارت های اجتماعی متبلور شود. { لازم به ذکر است که از لحاظ طبقه بندی هدف های آموزشی، برنامه ی درسی پنهان حیطه ی عاطفی را در بر می گیرد. اما با اضافه شدن حیطه ی بین شخصی به سه حیطه ی قبل، هدف های حیطه ی بین شخصی هم در این راستا مهم به نظر می آیند. سطوح حیطه ی بین شخصی شامل: مهارت های برقراری ارتباط، سخنرانی، گوش دادن، تعامل و ... می باشد. } ۳- گرچه محیط شناختی مانند: دروس و موضوع های گوناگون درسی و محیط فیزیکی مدرسه دارای پیامد های قصد نشده اند، ولی این یادگیری ها بیشتر از محیط اجتماعی مدرسه متاثر است. محیط اجتماعی مهم ترین جنبه از جو مدرسه است که بیشترین و موثرترین پیامدهای پنهان را دارد. ۴- آثار مثبت و منفی این برنامه در بسیاری از

ابعاد از برنامه های درسی آشکار موثرتر ، آموخته های آن پایدارتر و از تنوع و گسترش بیشتری برخوردار است. ۵- یادگیری برنامه ی درسی پنهان با یادگیری های ناشی از روش های آموزشی غیرمستقیم و غیر رسمی که با اهداف آگاهانه و از قبل تعیین شده صورت می گیرد ، متفاوت است. ۶- یادگیری های اتفاقی خارج از مدرسه را نمی توان برنامه ی درسی پنهان نامید. (شورین الاحسنی، فولادی پناه، ۱۳۹۳)،

رویکردهای برنامه ی درسی پنهان

تلقی برنامه های درسی پنهان به عنوان نتیجه ، زمینه و فرآیند سه رویکردی است که در طی تحقیقاتی نسبت به برنامه ی درسی پنهان وجود دارد. ۱- برنامه ی درسی پنهان به منزله ی نتیجه : بیشتر آثار راجع به برنامه ی درسی پنهان به ارزش ها ، تمایلات ، هنجارها ، طرز تلقی ها و مهارت هایی که دانش آموزان آن ها را مستقل از مواد درسی شناختی می آموزند ، پرداخته اند. به عنوان مثال : "جکسون" برنامه ی درسی پنهان را شکل گرفتن یادگیری نحوه ی زندگی کردن در محیط اجتماعی که در آن انواع تعامل ها ، ستایش ، تمجید و قدرت وجود دارد ، می داند. (داوودی ، ۱۳۷۸: ۲) " اشنایدر" استدلال می کند که فراگیران موفق آنانی هستند که آموزه هایی از برنامه ی درسی پنهان را فرا می گیرند که واقعا با نیازمندی های واقعی خود آنان و نه با نیازمندی های رسمی نظام آموزشی در ارتباط است. (همان منبع) فرض مشترک تمام نویسندگانی که درباره ی برنامه ی درسی پنهان این عقیده را دارند ، این است که نتایج حاصل از برنامه ی درسی پنهان یادگیری های غیر آموزشی هستند. ۲- برنامه ی درسی پنهان به منزله ی زمینه : به طور کلی می توان یادگیری مدرسه ای را یادگیری تصور کرد که معمولا در متن ویژه ای (کلاس درس) که در زمینه ی فیزیکی و اجتماعی خاصی (مدرسه) با ویژگی های ساختاری معین واقع شده است ، شکل می گیرد. برنامه ی درسی پنهان را اغلب یادگیری تلقی می کنند که این زمینه ناخواسته و مستقل از یادگیری آشکار کلاس درس را می آموزد. " درین" معتقد است چهار هنجار مذکور آموخته شده در برنامه ی درسی پنهان ، از طبیعت مدرسه به عنوان یک نهاد غیر قائم به شخص که در ویژگی های ساختاری و ترتیبات نهادی آن تجسد یافته ، ناشی می شود. (داوودی ، ۱۳۷۸ : ۳)

آموزش در مدارس

آموزش، همواره جریانی اثرگذار بوده است؛ به این معنا که کاربرد آن، یا به عنوان وسیله ای برای کمک به یکپارچگی نسل جوان در منطق نظام موجود و انطباق آنها، یا تمرین آزادی است؛ به این معنا که مرد و زن به طور خلاقانه و انتقادی با واقعیت برخورد می کنند یا در می یابند که چگونه در تغییر دنیای خود مشارکت کنند. به طور ضمنی، مطلب یادشده، به سه نقش اساسی آموزش اعتقاد دارد: اول اینکه آموزش، نقش ترکیبی دارد و بر این اساس به ما می گوید که چه چیزی درباره دنیا می دانیم؛ دوم اینکه زمانی که آموزش برای نگهداری تفاوت قدرت های موجود و نگاه داشتن مردم در جایگاه خود استفاده می شود، نقشی دیگر خواهد داشت؛ نقش سوم آموزش، کمک به ما در شکل دهی دیدگاه مان نسبت به دنیا و در نهایت، تغییر دنیا به عنوان پیامد آن، است که بر این اساس، آموزش، نقش تغییردهنده دارد تا مسون این آموزش ها از طریق برنامه های ، درسی، در مراکز آموزشی صورت می گیرند. برنامه درسی به منزله اتفاقی برنامه ریزی شده و قصد شده به دنبال آن است تا جریانی رسمی و غیررسمی یاددهی- یادگیری را در محیط آموزشی، به شکلی هدفمند، تعریف و در چهارچوب آن سازماندهی کند اما نمی توان فرایندهای رسمی آموزش را از زیرساخت های پنهان آن جدا کرد. انواع برنامه های درسی می توانند عرصه ها و حوزه هایی را پیش روی یادگیرندگان قرار دهند و زمینه ساز رشد و ارتقای ظرفیت های زیربنایی و بنیادی نظام آموزشی شوند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۸). در میان انواع برنامه های درسی میتوان به برنامه درسی پنهان اشاره کرد. این برخلاف تصور رایج نسبت به مدرسه است که آن را پدیده های تک بعدی یا تک ساختی انگاشته، مدارس را به طور صرف، مهدهای اجرای برنامه درسی صریح می پندارند (مهرمحمدی، ۱۳۸۷) اغلب، زمانی که معلمان به برنامه درسی مدارس اشاره می کنند، اهداف دوره ها را که در قالب برنامه درسی رسمی طراحی شده اند، در ذهن خود تداعی می کنند درحالی که در مقابل این نوع برنامه درسی، فراگیران، انواعی از برنامه های درسی غیررسمی، قصد و تصریح نشده را تجربه می کنند. اگرچه، آرای اندیشمندان درخصوص وجوه و میزان قصد شده بودن و قصد نشده بودن برنامه درسی پنهان، مختلف است، آنچه مسلم و قطعی است، اینکه این مفهوم، در برنامه درسی رسمی و آشکار مدرسه تصریح نمی شود (سبحانی نژاد، ۱۳۹۰). زمانی که از برنامه درسی پنهان صحبت می شود، تصور عام بر این است که ابعاد این نوع برنامه، همواره دارای وجوه منفی بوده، این در حالی است که برنامه درسی پنهان، آن دسته از تجربه های آموختنی مثبت و منفی را در برمی گیرد که در برنامه درسی رسمی پیش بینی نشده، اما کسب می شوند؛ بنابراین، پژوهش هایی که در این زمینه صورت می گیرند، همزمان باید به وجوه مثبت و منفی برنامه درسی پنهان توجه داشته باشند .

رابطه ی تدریس با برنامه ی درسی پنهان

برنامه ی درسی پنهان بعد غیرقابل پیش بینی یادگیری است. طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد غفلت از بخش مهم عواملی است که در یاد گیری دانش آموز تاثیر فراوان دارند. معلمان به طور معمول در طراحی آموزشی به عوامل آشکار موثر در تدریس توجه می کنند و از عوامل پنهان غافل

می مانند. لازم است عوامل اساسی موثر در شکل گیری برنامه ی پنهان شناسایی و آشکار شوند و تا حدودی در طراحی و اجرای تحت ضابطه و کنترل درآیند. یکی از عواملی که در کم کردن فاصله بین برنامه ی درس رسمی و پنهان تاثیر دارد مشارکت دانش آموزان در جریان آموزش است. در صورت مشارکت آنان در طراحی و اجرای تدریس ، فعالیت های یادگیری را با اهمیت تلقی خواهند کرد و با علاقه و آگاهی برای یادگیری و نایل شدن به هدف های آموزشی تلاش خواهند نمود. عامل دیگر ، آگاهی برنامه ریزان و معلمان از عوامل غیر آشکاری است که در آموزش موثر است. برای مثال وقتی معلم دانست که نوع برخورد او در ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان و آثار ارزشیابی موثر است ، سعی می کند رفتار خود را به منظور تقویت ارزش ها و گرایش های مطلوب تنظیم نماید. یا وقتی که متوجه شد طرز تلقی های او درباره ی رابطه ی معلم و دانش آموز در کلاس درس و نقش یادگیری دانش آموز (منفعل یا فعال بودن) در شکل گیری طرز تلقی های دانش آموزان اثر دارد سعی می کند روابط آموزشی داخل کلاس را به صورت مفید و ثمربخش سازمان دهد. بنابراین معلم باید عوامل موثر در برنامه ی درسی پنهان را شناسایی کند و با در نظر گرفتن آن ها در طراحی و اجرای آموزش منطقی تر عمل نماید(ملکی،۱۳۸۵).

تاثیر برنامه ی درسی پنهان بر تجربه های یادگیری شاگردان

تاثیر برنامه ی درسی پنهان ، همانند برنامه ی درسی رسمی از نوع ایجابی است. برنامه ی درسی پنهان از یادگیری هایی حکایت می کند که دانش آموزان به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی ، تجربه می کنند. تجربه های یادگیری که بدین وسیله حاصل می شود و عمدتاً در قالب مجموعه ای از انتظارات و ارزش ها تبلور می یابد و کمتر معطوف به حوزه ی دانستنی ها یا شناخت مربوط است. ارزش گذاری ترجیحی برای مواد و موضوع های درسی گوناگون ، به دلیل جایگاهی که این مواد در برنامه ی هفتگی مدارس اشغال می کنند ، به منزله ی یکی از مثال های یادگیری ناشی از برنامه ی درسی پنهان مدارس معرفی شده است. برای مثال این که دانش آموزان ، مواد درسی بی مانند هنر و تربیت بدنی را دارای ارزش و مرتبه ی درجه دوم یا فاقد اهمیت در مقایسه با مواد و موضوع هایی مانند ریاضی و علوم تجربی ارزیابی کنند. ناسازگاری و انزوای طلبی اجتماعی دامش آموزان ، بی علاقه بودن ، انعطاف ناپذیری و محروم شدن از تجارب متعدد ، وابستگی فکری به معلم و مدرسه ، کاهش عزت نفس و تکیه بیش از حد بر ارزشیابی های مدرسه ، پذیرش اقتدار برنامه های درسی رسمی و آسیب دیدن تجارب معلمان و شان اجتماعی دانش آموزان ، الگو گیری از سایر دوستان کارکنان آموزشی مدرسه در نحوه ی پوشش ظاهری ، رفتار مناسب با سایر دوستان ، کنترل پرخاشگری ، حضور به موقع در کلاس ، اظهار علاقه نشان دادن به مواد درسی ، اطاعت از خواسته های معلم و نظم در انجام دادن تکالیف برای کسب موفقیت بیشتر ، بی میلی به همکاری ، کاهش تلاش ، توانایی ، اعتماد به نفس و موفقیت تحصیلی دانش آموزان ، تقویت روحیه ی رقابت فردی به جای همکاری و مشارکت در سایه ی نظام ارزشیابی ، اطاعت و انقیاد ، از خودبیگانگی و نگرش منفی نسبت به مدرسه به منزله ی مهم ترین مولفه های برنامه ی درسی پنهان شناخته شده اند که بیشتر تحت تاثیر جو مدرسه شکل می گیرند.(هاشمی،۱۳۹۴)

ارتباط تکنولوژی آموزشی با برنامه ی درسی پنهان

با توجه به مباحث مطرح شده و با توجه به ماهیت تکنولوژی آموزشی می توان این طور نتیجه گرفت که یکی از اهداف تکنولوژی آموزشی می تواند پیش بینی و کمک به توسعه ی برنامه ی درسی پنهان باشد. اگر تکنولوژی آموزشی را به تعبیری - نه تعبیری تکنیکی و فنی - برابر با خلاقیت و دقت بدانیم ، (لازم به ذکر است که این تعبیر به تجربه ی سال های تحصیل در این رشته برای خودم به وجود آمده است.) در نتیجه می توان از این ابزار مهم در بهره گیری هرچه بهتر از برنامه ی درسی پنهان استفاده نمود. در تکنولوژی آموزشی می آموزیم که شرایطی را فراهم آوریم که منجر به یادگیری موثر در افراد شود. می آموزیم که این یادگیری موثر تحت چه شرایطی ، در چه فضایی ، در زمانی ، با چه رسانه ای و ... حاصل می شود. در تکنولوژی آموزشی میانی ارتباط انسانی را می آموزیم و به سطحی از تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی دست می یابیم. شرایط ارزشیابی صحیح نظام آموزشی و یادگیری را در می یابیم و ... پس تکنولوژی آموزشی می تواند زمینه ای را فراهم سازد که در آن تفکر انتقادی اوج بگیرد و با دید سیستمی و جزئی نگر بتوان هرچه بهتر از نتایج برنامه ی درسی پنهان بهره گرفت. همچنین توجه صحیح به استفاده از رسانه های مختلف در کلاس درس و برنامه ریزی درست نظام های آموزشی جدید (آموزش های الکترونیکی) ، میتواند به بهبود و افزایش بعد مثبت تعامل در این فضاها کمک کند و افراد را از یادگیرندگان خنثی که ممکن است در معرض این محدودیت آموزش مجازی هستند(حبیبی پور و باتوانی، ۱۳۸۵)

عوامل به وجود آورنده و موثر بر آموزشهای ختمی یا برنامه درسی پنهان :

۱- معماری و کیفیت ساختمان مدارس: با توجه به دستاوردهای مفید «علم ارتباطات» صاحب نظران این رشته معتقدند : آموزش های غیر کلامی و رفتار غیر بیانی بیش از سایر عوامل در انتقال پیام به فراگیران نقش دارند. پس مراکز آموزشی و عناصر تشکیل دهنده آن مانند رنگ ، نور، صدا، تجهیزات حیاط ، راهروهای تنگ و طولانی ، همه و همه ، اثرات آموزشی و تربیتی دارند .

۲- ساختار اجتماعی واداری مدارس : در دایره المعارف برنامه درسی اشاره شده است که برنامه درسی رسمی مراکز آموزشی تنها فقط یک بخش از کل سازماندهی مراکز آموزشی است که بر آموزش اجتماعی فراگیران اثر می گذارد. دانش آموزان مطالب زیادی از برنامه غیر رسمی را که مستقیماً متأثر از سازمان سیاسی و اجتماعی مدارس است فرا می گیرند.

۳- ارتباط متقابل اعضای مدارس : طرز تلقی و رفتار اعضای مدارس از عوامل بسیار مهم در تشکیل طرز تلقی های دانش آموزان می باشد. اگر اعضا در کلاس درس آزاد برخورد کنند و فرصت کافی و موثر در اختیار قرار دهند، تلاش و توانایی و حس اعتماد به نفس رادارو تقویت می کنند. و اگر امیال و خواسته ها و نظرات خود را محور قرار دهند و بارویه سلطه گری برخورد نمایند، مانع بروز توانایی ها می شوند و گرایش سلطه گری به دیگران راپرورش می دهند.

۴- روابط میان فردی دانش آموزان با کارکنان و با یکدیگر : در درون مدارس به صورت رسمی یا غیر رسمی روابط انسانی متعددی شکل می گیرد و هر کدام آثار تربیتی خاص خود را دارند . یکی از اینگونه روابط ، روابط کارکنان با دانش آموزان است. موضع گیری و طرز تفکر و نگرش های افراد و اداره کننده مراکز آموزش در این زمینه بسیار قابل ملاحظه است. اگر کارکنان برداشت های طبقاتی ویژه ای داشته باشند نوع زندگی دانش آموزان در تصمیم گیریهای تربیتی تاثیر می کند. (شورین الاحسنی، فولادی پناه، ۱۳۹۳).

پیامدهای مثبت برنامه درسی پنهان

برخی از پژوهش ها، به بررسی پیامدهای برنامه درسی پنهان پرداخته اند. البته نوع نگرش ما نسبت به مثبت یا منفی بودن ماهیت برنامه درسی، بر تبیین پیامد هایی که از آن انتظار داریم تأثیر می گذارد. کارکرد گرایان، که نگرشی مثبت نسبت به برنامه درسی پنهان دارند و آن را ابزاری برای جامعه پذیر نمودن دانش آموزان می دانند، معتقدند که برنامه درسی پنهان می تواند پیامدهای زیر را به همراه داشته باشد) عادت های بهداشتی ، تفریحات سالم، علایق علمی و معنوی، ذوق هنری و زیبایی شناسی، اخلاق پسندیده، وظیفه شناسی، احترام به انسانیت، رقابت سالم و صمیمانه، همکاری و نوع دوستی، احترام به قوانین، مقررات، ارزش ها و هنجارهای مورد قبول جامعه، بزرگداشت خانواده، آزادمنشی، رعایت حقوق خود و دیگران، خود شکوفایی، میهن پرستی، پایبندی به سنت ها، آداب و رسوم قومی، ارج گذاری، قضاوت اقتصادی، ادراک اجتماعی، شهروند جهانی بودن، ایمان به مردم سالاری. از جمله پیامدهای دیگر مثبت برنامه درسی پنهان می توان به کنترل پرخاشگری، حضور به موقع در کلاس درس و اظهار علاقه به مواد درسی اشاره کرد (علیخانی و مهر محمدی، ۱۳۸۳)

برنامه درسی پنهان از دید چه کسی پنهان است ؟

تعدادی از نظریه پردازان حوزه برنامه درسی، ابعاد و سطوح مختلف برنامه درسی پنهان را مورد توجه قرار داده اند ملکی معتقد است باید ابتدا مشخص نماییم که این برنامه از دید چه کسی پنهان می شود ، هنگامی که صحبت از برنامه درسی است ؟ آیا نظام آموزشی از آنچه قرار است اجرا شود اطلاع دارد و آن را از حوزه آگاهی را گیرندگان و والدین دور نگاه میدارد؟ یا این که بالعکس؟ با مروری بر تاریخچه نسبتاً کوتاه کاربرد این مفهوم در ادبیات رشته برنامه درسی در می یابیم که اندیشمندان این حوزه آن را در معانی متفاوتی به کار برده اند و شاید به همین دلیل است که امروز نوعی آشفتگی و عدم یقین نسبت به ماهیت این پدیده وجود دارد (ملکی ۱۳۸۵). در نهایت، اگر برنامه درسی را به مثابه یک کوه یخی (iceberg) تصور نماییم، میتوانیم سطوح برنامه درسی پنهان را از لحاظ عمق پیچیدگی به شرح زیر تصور کنیم.

در سطح ۱ ، نظام آموزشی نسبت به آنچه که قصد دستیابی بدان را دارد ، آگاه است و البته سعی می کند تا برنامه های درسی و محیط آموزشی را به گونه ای سازماندهی کند که نتایج مدنظر خویش را به طور غیر مستقیم تحقق بخشد.

در سطح ۲، نظام آموزشی از آنچه درون مدرسه می گذرد، بی اطلاع است . اما فراگیرندگان نسبت به آنچه که قصد فراگیری آن را دارند، آگاهند و برنامه درسی را که برایشان لذت بخش بوده است و نیاز آنی ایشان را برآورده می سازد ، برای خود خلق می کنند.

در سطح ۳، نه نظام آموزشی و نه فراگیرندگان نسبت به آنچه که روی می دهد آگاهی ندارند در این حالت نحوه سازماندهی برنامه درسی و اجرای آن در محیط آموزشی سبب می گردد که پیامد های یادگیری حاصل گردد که نه مورد نظر نظام آموزشی بوده است و نه فراگیرندگان با قصد و اختیار بدان دست یافته اند(مهر محمدی، ۱۳۸۷) .

ارتباط تکنولوژی آموزشی با برنامه درسی پنهان

با توجه به ماهیت تکنولوژی آموزشی میتوان این طور نتیجه گرفت که یکی از اهداف تکنولوژی آموزشی می تواند پیش بینی و کمک به توسعه ی برنامه ی درسی پنهان باشد. اگر تکنولوژی آموزشی را به تعبیری (نه تعبیر تکنیکی و فنی) برابر با خلاقیت و دقت بدانیم در نتیجه می توان از این ابزار مهم در بهره گیری هر چه بهتر از برنامه درسی پنهان استفاده نمود. در تکنولوژی آموزشی می آموزیم که شرایطی که فراهم آوردیم که منجر به

یادگیری موثر در افراد شود. می آموزیم که این یادگیری موثر تحت چه شرایطی، در چه فضایی، در چه زمانی، با چه رسانه ای و ... حاصل می شود. در تکنولوژی آموزشی مبانی ارتباط انسانی را می آموزیم و به سطحی از تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی دست می یابیم. شرایط ارزشیابی صحیح نظام آموزشی و یادگیری را در می یابیم. پس تکنولوژی آموزشی می تواند زمینه ای را فراهم سازد که با دید سیستمی و جزئی نگر بتوان هرچه بهتر از نتایج برنامه ی درسی پنهان بهره گرفت (حبیبی پور و باتوانی، ۱۳۸۵).

پیشنهادات:

- ۱) ایجاد نگرش جدید در معلمان و دانش آموزان نسبت به یادگیری و برنامه درسی پنهان
- ۲) تغییر نگرش خانواده ها نسبت محیط آموزشی دانش آموزان و همسالان و نحوه ی تاثیر برنامه درسی پنهان بر آن ها.
- ۳) تغییر نگرش معلمان نسبت به استفاده از رفتارهای آن ها با دانش آموزان، همکاران، استفاده از پاداش و تنبیه، روش های تدریس که نگرش دانش آموزان متأثر می کنند.
- ۴) آموزش های ضمن خدمت متناسب کنترل برنامه درسی پنهان برای خانواده و معلمان.
- ۵) مورد توجه قرار دادن برنامه درسی پنهان در سطح کلان.
- ۶) شناسایی عواملی که در برنامه درسی پنهان تاثیر دارد توسط معلمان

۴- بحث و نتیجه گیری:

نظام آموزش و پرورش هر جامعه از انتقال پنهان و آشکار هنجارها و نگرش های خاص به فراگیران فارغ نیست. در مدرسه دانش آموزان طی دوره ای طولانی که تاثیر پذیرش ترین دوره های رشد فردی است در معرض آموزش برنامه های مدون قرار دارند و ضمن آن تجاربی کسب می کنند که به شکل غیر مستقیم یا غیر آگاهانه شکل دهنده ی فرهنگ و ارزشش های مورد پذیرش آنان است. اثربخشی این تجارب به مراتب بیشتر از روش های مستقیم در یادگیری است. برنامه درسی پنهان یادگیری هایی است که رسماً و علناً مورد نظر مدرسه و نظام آموزشی نیست. دوره کودکی و نوجوانی از دوره های تعیین کننده در شکل گیری نگرش ها و باورهای افراد به حساب می آید. در این دوره ی سنی است که دانش آموزان در معرض پیام های ارزشی، باورها و هنجارهای جاری در مدرسه قرار می گیرند و آنها را درونی می سازند از برنامه ی درسی پنهان می توان هم نتیجه مثبت و هم نتیجه منفی برداشت کرد. بنابراین نتیجه که از این مبحث حاصل می شود این است که؛ برنامه درسی پنهان به حضور لحظه به لحظه و عملی معلم و شاگرد در کلاس وابسته است. برنامه درسی پنهان لزوماً خاص مدرسه و نظام آموزشی نیست. این برنامه تقریباً همیشه و در همه جای با یادگیری های افراد گره خورده است. توجه به این نکته از اهمیت زیادی برخوردار است. دانش آموزان برنامه درسی پنهان پاسخ نمی دهند، بلکه آنان از طریق تفسیر و بحث، تحلیل، ادراکات خود، و تلفیق و ترکیبهای خود، برنامه ی درسی پنهان را می سازند. برنامه ی درسی پنهان دانش آموزان پاسخی است، به آنچه در محیط آموزشی انجام می دهند. همه منتقدان، علی رغم تفاوتهاشان، در پذیرش یک اندیشه با یکدیگر مشترکند و آن این که برنامه درسی پنهان، یک متن اجتماعی است. این متن در صورتی معنی دار می گردد که آن را بخوانیم و تفسیر کنیم. شاید مهم ترین اثر مفهوم برنامه درسی پنهان در این نهفته است که محققان با مشاهده تعلیم و تربیت، تدریس و آموزش به شیوه هرمنوتیک (یعنی به منزله متنی که باید تفسیر شود، یا معانی پنهان آن آشکار گردد) ترغیب می گردند. تنها با نگاه غیر اثباتی، کیفی و تفسیری به برنامه درسی پنهان، تحقیق و پژوهش درباره رشد، پیشرفت و بهبود آن امکان پذیر خواهد بود.

منابع:

- ۱) اسکندری، حسین. (۱۳۸۷). برنامه درسی پنهان. تهران: انتشارات نشر نسیم ص ۶۸-۱۰۵.
- ۲) فتحی واجارگاه، کورش و همکاران (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس؛ تهران: انتشارات آبیژن ص ۶۸.
- ۳) ملکی، حسن، (۱۳۸۵). برنامه ریزی درسی راهنمای عمل. تهران: انتشارات راه اندیشه.
- ۴) هاشمی، احمد (۱۳۹۴) برنامه ریزی درسی (اصول و کاربرد)، ویرایش دوم لامرد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد؛ تهران: تایماز.
- ۵) حبیبی پور، مجید؛ باتوانی، مرتضی، (۱۳۸۵)، تاثیر برنامه ی درسی پنهان در یادگیری، ماهنامه ی رشد، تکنولوژی آموزشی: شماره ی ۱۷۵
- ۶) علیخانی، محمد حسین: مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۳)، بررسی پیامدهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) ناشی از محیط، اجتماعی مدارس دوره متوسطه اصفهان مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره های ۲ و ۳ ص ۱۴۶-۱۲۱
- ۷) مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۷)، برنامه درسی پنهان در برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم اندازها. ویراست دوم تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها
- ۸) قورچیان، نادرقلی. ۱۳۷۳، تحلیلی از برنامه درسی مستتر، بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزش فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. تهران. شماره ۱ و ۲
- ۹) ابراهیمی قوام، صغرا (۱۳۸۸)؛ کاربرد نظریه های یادگیری در برنامه ریزی درسی؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
- ۱۰) سبحانی نژاد، مهدی و کاظم منافی شرفآباد (۱۳۹۰)؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها، سیرجامع نظریه ها و حوزه های شاخص)؛ تهران: انتشارات یسطرون
- ۱۱) شورین الاحسنی، مهناز؛ فولادی پناه، علی اصغر (۱۳۹۳)، برنامه درسی پنهان، پنهان از دید چه کسی؟
- ۱۲) داوودی، محمد (۱۳۷۸)، برنامه درسی پنهان، ص ۳-۲.